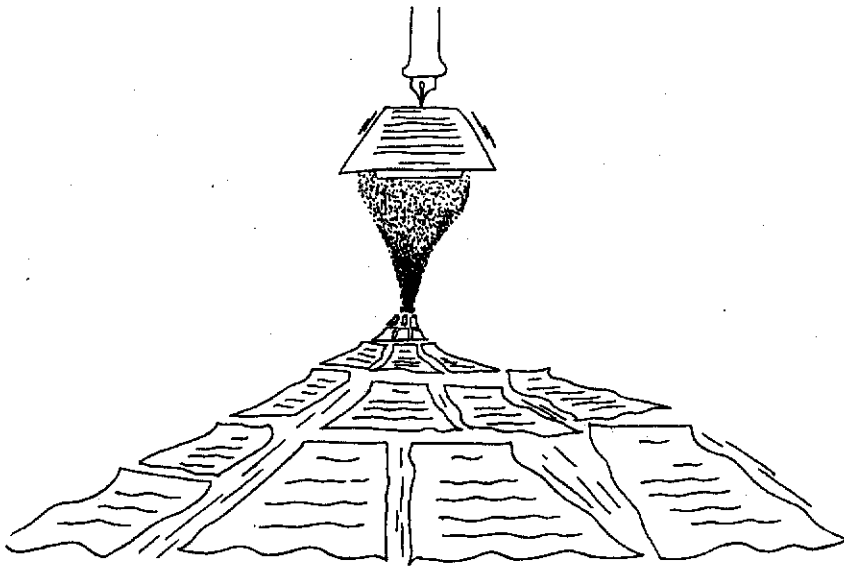


آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور



شماره ۲۰۹۴-۵
پرونده وحدت رویه ردیف ۱/۷۸
هیئت عمومی دیوان عالی کشور
حضرت آیت الله محمد گیلانی ریاست
محترم دیوان عالی کشور
احتراماً، به استحضار می‌رساند:
سرپرست محترم دانشگاه گیلان طی
شرحی به شماره ۱۱-۳۷۹۲-۷۷/۳/۱۶ به
عنوان حضرت آیت اله مقتدائی دادستان
محترم کل کشور به پیوست تصویر آرای
صادر از شعب سوم و هفدهم دیوان عالی
کشور اعلام داشته: از سوی شعب مذکور
درخصوص صلاحیت ذاتی کمیسیون
تبصره (۱۲) قانون بودجه و عدم صلاحیت

محاکم عمومی دادگستری در رفع
اختلافات ملکی بین دستگاههای اجرائی،
آرای مختلفی صادر گردیده و تقاضای
طرح موضوع را در هیئت عمومی دیوان
عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد
نموده است اینک جریان پرونده‌های
مربوطه به شرح ذیل معروض و سپس
مبادرت به اظهار نظر می‌نماید.

۱- در تاریخ (۷۲/۵/۳۱) جمعیت هلال
احمر جمهوری اسلامی ایران دادخواستی
به طرفیت ۱- مجتمع دانشگاهی ادبیات و
علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبائی
۲- دانشگاه پیام نور به خواسته ۱- اعلام
انحلال قرارداد موضوع سند رسمی شماره
(۹۱۶۴۰-۵۸۱/۵/۲)، ۲- خلع ید خواننده
ردیف دوم از ملک متعلق به جمعیت مقوم
به مبلغ دو میلیون و ده هزار ریال به دادگاه
حقوقی شهرستان تربت حیدریه تقدیم و
توضیح داده: ملک موضوع خواسته به
موجب قرارداد رسمی فوق برای مدتی
نامعین از طرف جمعیت هلال احمر تربت
حیدریه به دانشگاه آزاد سابق ایران جهت

انتفاع واگذار گردیده و دانشگاه مذکور
مجاز بوده تا احداث ساختمان جدید در آن
سکنی گزیند لیکن دانشگاه موردنظر منحل
و احداث ساختمان عملاً منتفی گردیده تا
اینکه خواننده ردیف اول مدتی در آن
تصرف داشته و خواننده ردیف دوم
متصرف فعلی آن می‌باشد با توجه به اینکه
جمعیت هلال احمر شهرستان تربت
حیدریه مجاز به انعقاد این گونه قراردادها
نبوده و بر فرض صحت قرارداد، با انحلال
دانشگاه آزاد قرارداد مذکور منفسخ گردیده
است و بر فرض بقای قرارداد چون عقد
انتفاع بر دوگونه رقبی و عمری الزام آور
می‌گردد و قرارداد مذکور هیچکدام از
دو نوع مذکور نیست طبق ماده (۴۴) قانون
مدنی اعلام رجوع از قرارداد مذکور را
می‌نماید و چون خواننده ردیف (۲) طرف
قرارداد این جمعیت نبوده و بدون مجوز
قانونی متصرف شده است درخواست خلع
ید نامبرده را نیز دارد. پرونده در شعبه اول
دادگاه عمومی تربت حیدریه به کلاس
(۴۸۷/۷۳) تحت رسیدگی قرار گرفته

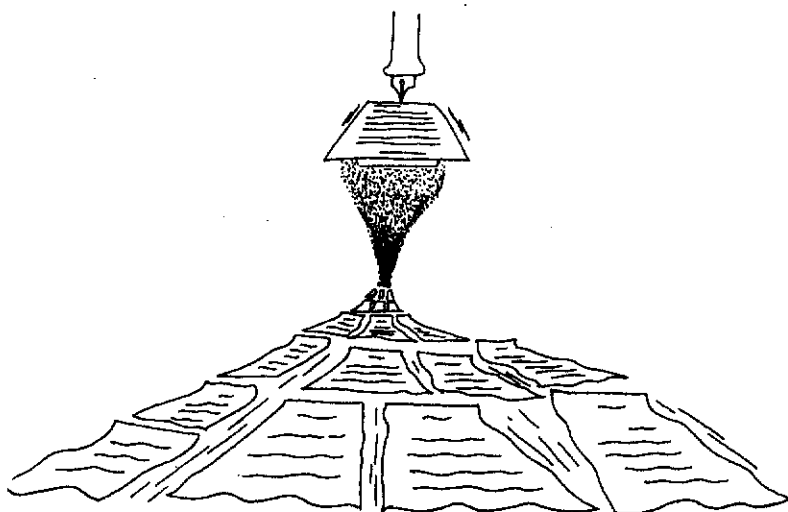
نماینده خواهان در اولین جلسه دادگاه علاوه بر خلع ید مبلغ هفتاد میلیون ریال به عنوان اجرت المثل ایام تصرف خوانده ردیف (۲) را نیز مطالبه نموده است. دانشگاه پیام نور به شرح لایحه ارسالی پس از برشمردن ایراداتی به دادخواست، اعلام داشته ادعای اینکه جمعیت هلال احمر تربت حیدریه مجاز به انعقاد قرارداد نبوده موجه نیست زیرا قرارداد طبق مقررات و با حصول کلیه شرایط منعقد گردیده ادعای انحلال دانشگاه آزاد ایران و در نتیجه انفساخ عقد نیز درست نیست زیرا طبق مصوبه شماره (۹۰۵-۶۷/۱۲/۱۱)، هیئت دولت، دانشگاه پیام نور از هر جهت قائم مقام دانشگاه آزاد می باشد ضمناً همین دعوی از طرف جمعیت هلال احمر قبلاً در پرونده کلاسه (۸۴۱/۶۱) مطرح و به موجب دادنامه شماره (۶۲/۲/۵-۷۴) دعوی مردود اعلام گردیده است و موضوع واجد اعتبار قضیه محکوم بها می باشد، دادگاه پس از مطالبه و ملاحظه پرونده مورد استناد و درج آن در صورتجلسه با اعلام ختم دادرسی به شرح دادنامه (۷۴/۳/۱۳-۴۶۰) مفهوماً به معنی فسخ قرارداد بوده و به موضوع مزبور نیز قبلاً در پرونده کلاسه (۸۴۱-۶۱) عمومی حقوقی سابق تربت حیدریه رسیدگی و طی دادنامه شماره (۶۲/۲/۵-۷۴) حکم بر رد دعوی صادر و به تأیید دیوان عالی کشور نیز رسیده و قطعیت یافته فلذا به اعتبار امر مختومه بودن آن مستنداً به (بند ۴) ماده (۱۹۸) قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی خواهان را صادر و اعلام کرده است. جمعیت هلال احمر با تقدیم دادخواست

تجدیدنظر به حکم صادره اعتراض و تقاضای نقض دادنامه صادره را نموده است و تجدیدنظر خوانندگان لویحی تقدیم، پرونده جهت رسیدگی به تقاضای تجدیدنظر به دیوان عالی کشور ارسال و به شعبه سوم ارجاع و به کلاسه (۸۶۷۸) ثبت گردیده است. این شعبه نیز به موجب دادنامه شماره (۳۳۲-۷۵/۱۳۰) چنین رأی داده است: رأی؛ اعتراض تجدیدنظر خواه نسبت به دادنامه شماره (۷۴/۳/۱۳-۴۶۰) صادره از شعبه اول دادگاه عمومی تربت حیدریه مآلاً وارد است زیرا به موجب تبصره (۱۲) قانون بودجه سال (۱۳۷۴) کل کشور مصوب (۷۳/۱۲/۲۸) مجلس شورای اسلامی که در زمان صدور دادنامه تجدیدنظر خواسته لازم الاجرا بوده (در رفع اختلاف مربوط به ساختمانها و تأسیسات و اراضی و وزارتخانه‌ها و دستگاههای دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی، شهرداریها، سازمان تأمین اجتماعی و سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران که در گذشته براساس نیازها و ضرورتهای مختص اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی بدون اخذ مجوز قانونی و موافقت متصرف پیشین می باشد کمیسیونی با مسئولیت رئیس سازمان برنامه و بودجه و با حضور وزاری مسکن و شهرسازی، امور اقتصادی و دارایی یا معاونین آنها و وزرا یا بالاترین مقام اجرائی دستگاههای اجرائی طرف اختلاف و یا نمایندگان تام‌الاختیار آنها تشکیل می شود) و مطابق (بند ب) تبصره مزبور رأی صادره اینن کمیسیون برای دستگاههای اجرائی ذیربط لازم الاجرا

می باشد لکن در صورت عدم اجرای آرای مذکور در مهلت تعیین شده به هر دلیل توسط دستگاههای اجرائی ذیربط سازمان برنامه و بودجه مکلف است معادل ارزشی مایملک مورد تصرف را بنا به پیشنهاد کمیسیون برحسب مورد بدون الزام به رعایت محدودیتهای جابجایی در بودجه جاری و عمرانی از بودجه سال (۱۳۷۴) دستگاه مذکور کسر و به بودجه دستگاه اجرائی ذینفع اضافه نماید. بنا به مراتب و با عنایت به اینکه دانشگاه پیام نور و دانشگاه علامه طباطبائی وفق اساسنامه مربوطه مؤسسه دولتی محسوبند لذا دادنامه تجدیدنظر خواسته بدون توجه به تبصره (۱۲) قانون بودجه سال (۱۳۷۴) کل کشور و خارج از حدود صلاحیت دادگاه صدور یافته و از این رو به استناد ماده (۶) قانون تجدیدنظر آرای دادگاهها نقض می شود و در اجرای (بند ج) ماده (۶) قانون مرقوم پرونده به شعبه اول دادگاه عمومی تربت حیدریه اعاده می گردد که به منظور طرح در کمیسیون موضوع ماده (۱۲) قانون بودجه سال (۱۳۷۴) کل کشور به سازمان برنامه و بودجه ارسال دارند.

۲- در تاریخ (۷۲/۱۱/۱۳) وزارت اطلاعات و با وکالت آقای محمد نیکنام وکیل دادگستری دادخواستی به طرفیت دانشگاه گیلان به خواسته درخواست خلع ید از یکبایب ساختمان از پلاک ثبتی (۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۲) مقوم به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال به انضمام اجرت المثل ایام تصرف به مبلغ پنجاه میلیون ریال تقدیم دادگاه حقوقی یک و ثبت نموده و توضیح داده سازمان خواننده رقبه فوق الذکر را در تصرف خود داشته و مذاکرات به عمل آمده

در مورد تخلیه آن
 بآنتیجه مانده و چون
 نیاز میرم به ملک خود
 دارد بسا تقدیم
 دادخواست تقاضای
 رسیدگی و صدور حکم
 به شرح خواسته را دارد.
 پرونده در مورد خلع ید
 نهایتاً در شعبه پنجم
 دادگاه عمومی رشت
 تحت رسیدگی قرار



(۶۲/۵/۲۷) تشکیل و
 اقدام به اخذ سند مالکیت
 مورخه (۷۱/۵/۲۱) از
 ملک مذکور نموده و پس
 از حدوث اختلاف در
 مورد ملک با پیشنهاد
 معاون حقوقی و امور
 مجلس ریاست جمهوری
 و تصویب کمیسیون
 موضوع ماده یک آیین
 نامه اجرائی تبصره (۱۲)

گرفته و دادگاه پس از صدور قرار معاینه
 محلی توأم با جلب نظر کارشناس و اجرای
 آن با اعلام ختم دادرسی به شرح دادنامه
 شماره (۱۶۹۴-۷۴/۱۰/۱۴) با توجه به
 محتویات پرونده و صورتجلسه اجرای
 قرار معاینه محل و با احراز مالکیت
 خواهان در رقبات مورد تنازع و اینکه
 کارشناس، تصرفات خوانده را در رقبات
 مذکور تایید نموده دعوی خواهان را ثابت
 تشخیص و مستنداً به مواد (۳۰۸ و ۳۱۱)
 قانون مدنی، حکم به خلع ید خواننده از
 پلاکهای (۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۲) بخش (۲)
 رشت واقع در جنب باغ محتشم برابر
 نظریه کارشناس صادر و اعلام کرده است.
 دانشگاه گیلان در فرجه قانونی نسبت به
 رأی صادره تجدیدنظر خواهی نموده
 دادگاه تجدیدنظر استان گیلان با توجه به
 اختلاف طرفین در مالکیت رقبات مورد
 دعوی و با امعان نظر به مبلغ خواسته قرار
 عدم صلاحیت خود را در رسیدگی به
 تجدیدنظر خواهی صادر و پرونده را به
 دیوان عالی کشور ارسال داشته که به شعبه
 (۱۴) ارجاع گردیده این شعبه دیوان نیز به
 شرح دادنامه (۷۵/۹/۱۰-۱۴/۱۶۹) دادنامه

تجدیدنظر خواسته را عیناً تأیید و ابرام
 می نماید. محکوم علیه در فرجه قانونی
 طی شرحی به عنوان دادستان محترم کل
 کشور نسبت به آرای صادره اعتراض و
 اعلام کرده که او هم دارای سند مالکیت
 بوده و سند او مقدم الصدور است و حسب
 تصمیم هیئت وزیران، ملک به دانشگاه
 گیلان واگذار شده و کمیسیون تبصره (۱۲)
 قانون بودجه سال (۱۳۷۴) ملک در اختیار
 دانشگاه گیلان قرار داده و در پایان تقاضای
 اعمال ماده (۳۱) را نموده است و با تقاضای
 وی موافقت شده است و پرونده مجدداً به
 دیوان عالی کشور ارسال و به شعبه (۱۷)
 ارجاع می گردد و این شعبه نیز به موجب
 دادنامه شماره (۱۷/۲۴۸-۱۷/۶/۳۱) و به
 استدلال اینکه ملک متنازع فیه گرچه متعلق
 به وزارت اطلاعات سابق (ساواک منحل) بوده
 ولی پس از پیروزی انقلاب حسب
 تصویب نامه (۸۲۸۹-۶۰/۷/۸) هیئت
 وزیران به دانشگاه گیلان واگذار شده که به
 استناد مصوبه مذکور اقدام به اخذ سند
 مالکیت (مورخه ۶۲/۱۱/۷) به نام دانشگاه
 گیلان کرده، نظر به اینکه وزارت اطلاعات
 جمهوری اسلامی ایران پس از تاریخ

قانون بودجه سال (۱۳۷۴) هیئت وزیران
 در تاریخ (۷۴/۷/۹) ملک مذکور در اختیار
 دانشگاه گیلان قرار گرفته و مستند دیگر
 تصرفات دانشگاه گیلان دستور مورخه
 (۸۲/۸/۶۰۷/۸-۸۲/۸/۶۰۷/۸) نخست وزیر وقت بوده
 و دیگر مالکیتی برای خواهان باقی نمانده
 که به استناد بند «د» قانون بودجه سال
 (۱۳۷۱) حقی برای مالکیت داشته باشد.
 فلذا اعتراضات تقاضای اعمال ماده (۳۱)
 قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب
 را وارد تشخیص و ضمن نقض آرای
 (۱۶۹۴-۷۵/۱۰/۱۴) شعبه پنجم دادگاه
 عمومی رشت و (۷۵/۹/۱۰-۱۴/۱۶۹)
 دیوان عالی کشور پرونده را مجدداً جهت
 رسیدگی به شعبه دیگر دادگاه عمومی
 رشت محول نموده که به شعبه (۲۶) دادگاه
 عمومی ارجاع گردیده است. این دادگاه نیز
 مستنداً به تبصره (۱۲) از قانون بودجه سال
 (۱۳۶۹) کل کشور خود را صالح به
 رسیدگی ندانسته و قرار عدم صلاحیت
 خود را به شایستگی کمیسیون موضوع
 تبصره مذکور صادر و پرونده را در اجرای
 ماده (۱۶) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین
 دادگستری به دیوان عالی کشور ارسال

داشته است که به شعبه (۱۷) ارجاع و به کلاسه (۹۶۶۸/۱۷/۹) ثبت گردیده است. این شعبه دیوان نیز به موجب دادنامه شماره (۷۷/۸/۶-۱۷/۴۴۶) چنین رأی داده است:

رای: بند «الف» تبصره (۱۲) قانون بودجه سال (۱۳۶۹) کل کشور جواز رسیدگی کمیسیون مخصوص است که به اختلافات حاصله بین صاحبان و متصرفین ساختمانهای دولتی به نحو مقرر در آن تبصره رسیدگی نماید ولی تشکیل این کمیسیون مانع رسیدگی دادگاه که مرجع عمومی رسیدگی به دعاوی است نمی باشد و کمیسیون مذکور نیز از مراجع خاص رسیدگی به دعاوی نیست تا به اعتبار صلاحیت ذاتی آن بتوان قرار عدم صلاحیت صادر کرد. علی هذا قرار عدم صلاحیت صادره که مغایر صلاحیت عام دادگستری در رسیدگی به دعاوی است غیرموجه تشخیص و با نقض آن پرونده جهت رسیدگی به ماهیت دعوی به دادگاه صادرکننده قرار منقوض اعاده می گردد.

نظریه:

همان طور که ملاحظه می فرمایید در استنباط از تبصره (۱۲) قانون بودجه مصوب (۱۳۶۸) کل کشور در خصوص صلاحیت ذاتی کمیسیون موضوع تبصره مذکور و عدم صلاحیت دادگاههای دادگستری در رسیدگی به اختلافات ملکی بین دستگاههای اجرائی از سوی شعب سوم و هفدهم دیوان عالی کشور آرای متهافت صادر گردیده است. بدین توضیح که شعبه سوم به موجب دادنامه ۳/۳۲-۷۵/۱/۳۰ رسیدگی به موضوع را خارج از حدود صلاحیت دادگاههای دادگستری و

قابل طرح در کمیسیون تبصره (۱۲) قانون بودجه سال (۱۳۷۴) کل کشور دانسته و با نقض رأی صادره از دادگاه عمومی پرونده را جهت طرح در کمیسیون مذکور ارسال داشته است ولی شعبه هفدهم برعکس به شرح دادنامه شماره (۷۷/۸/۶-۱۷/۴۴۶) کمیسیون مذکور را از مراجع خاص رسیدگی به دعاوی که مانع رسیدگی دادگاههای دادگستری باشد ندانسته و قرار عدم صلاحیت صادره از دادگاه عمومی در این مورد را نقض و پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه صادرکننده قرار اعاده داده است. بناءً علی هذا مستنداً به قانون مربوط به وحدت رویه قضائی (مصوب سال ۱۳۲۸) تقاضای طرح موضوع را در هیئت عمومی محترم دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد دارد.

معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری

به تاریخ روز سه شنبه (۱۳۷۸/۹/۳۰)

جلسه وحدت رویه قضائی هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیتاله محمد محمدی گیلانی، رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای حسن فاخری معاون اول دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان، روساء و مستشاران و اعضای معاون شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید. پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و استماع عقیده جناب آقای حسن فاخری معاون اول دادستان محترم کل کشور مبنی بر: «با توجه به مقررات ماده (۱۲) قانون بودجه سال (۱۳۷۴) کل کشور مصوب (۱۳۷۳/۱۲/۲۸) مجلس شورای اسلامی که زمان صدور دادنامه های مورد بحث

لازم الاجرا بوده و به موجب آن مقرر شده اختلاف مربوط به ساختمانها و تأسیسات و اراضی، وزارتخانهها و دستگاههای دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی که در گذشته براساس نیازها و ضرورتهای مختص اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی اعم از اینکه بدون مجوز و یا موافقت متصرف پیشین و یا با اجازه متصرف پیشین تصرف گردیده و درحال حاضر مورد نیاز متصرف پیشین می باشد کمیسیونی با عضویت مقامهای مندرج در قانون حل اختلاف می نمایند و حتی پیش بینی شده اگر در مهلت تعیین شده دستگاه ذیربط آرای صادره را اجرا ننمایند سازمان برنامه و بودجه مکلف است معادل ارزش مایملک مورد تصرف را بنا به پیشنهاد کمیسیون برحسب مورد بدون الزام به رعایت محدودیت های جابجائی از بودجه جاری و عمرانی دستگاه مذکور کسر و به بدین دستگاه اجرائی ذینفع اضافه نماید. بدین ترتیب موضوع خارج از صلاحیت دادگاههای عمومی بوده و حل اختلاف با کمیسیون مازالذکر است خصوصاً اینکه مثل، مانحن فیه که قبل از مراجعه به دادگستری کمیسیون حل اختلاف نبوده و حتی سند نیز صادر گردیده است و از طرفی دادرسی دیوان عالی کشور به موجب نظریه (مورخ ۷۶/۴/۷) که مورد قبول اینجانب قرار گرفته با توجه به رأی کمیسیون تبصره (۱۲) قانون بودجه سال (۱۳۷۴) که رأی بر مالکیت دانشگاه گیلان داده شده و حتی سند مالکیت به نام دانشگاه مذکور صادر گردیده و درواقع کمیسیون صالحه اخذ تصمیم کرده دیگر رأی دادگاه عمومی گیلان به خلع ید دانشگاه مرقوم

خلاف قانون بوده و به همین جهت درخواست نقض دادنامه صادره از شعبه چهاردهم دیوان عالی کشور که در تایید دادنامه صادره از دادگاه عمومی گیلان بوده درخواست شده و شعبه (۱۷) دیوان عالی کشور با قبول استدلال دادسرای دیوان عالی کشور اقدام به نقض دادنامه شعبه (۱۴) دیوان عالی کشور کرده است و لذا حکم صادره از شعبه سوم دیوان عالی کشور مطابق با قانون اصدار یافته و مورد تایید می‌باشد. مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده‌اند.

رأی شماره ۶۴۶-۱۳۷۸/۹/۳۰

شماره ردیف: ۱/۷۸

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور

هرچند به موجب تبصره (۱۲) قانون بودجه سال (۱۳۷۴) کل کشور قانونگذار کمیسیون خاصی را جهت رفع اختلاف مربوط به ساختمان‌ها و تأسیسات و اراضی مربوط به وزارتخانه‌ها و دستگاههای دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای انتظامی، شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی و سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران تعیین و رأی آن را برای دستگاههای ذیربط لازم‌الاجرا اعلام کرده است لیکن با توجه به اصل (۱۵۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که دادگاههای دادگستری را مرجع رسمی تظلمات و شکایات شناخته و رأی وحدت رویه شماره (۵۱۶-۶۷/۱۰/۲۰) این هیأت هم قبلاً در همین زمینه و متنی بر مرجعیت عام مراجع قضائی در رسیدگی به دعاوی مطروحه اصدار یافته است، مضافاً اینکه قوانین بودجه علی‌الاصول

و دادگاهها لازم‌الاتباع است.

دارای اعتبار یک ساله می‌باشند و اجرای مجدد آن بعد از سپری شدن مدت یک سال نیاز به تصویب مجدد قانونگذار دارد. بناءً علی‌هذا رأی شعبه (۱۷) دیوان عالی کشور که دادگاههای دادگستری را مرجع رسیدگی به این قبیل دعاوی دانسته، صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی برطبق ماده (۲۷۰) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب سال (۱۳۷۸) برای شعبه دیوان عالی کشور

توضیح اینکه گزارش معاون اول محترم دادستان کل کشور در زمان حکومت ماده واحده مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب سال ۱۳۲۸ تهیه شده لکن رأی هیات عمومی دیوان عالی کشور پس از لازم‌الاجراء شدن قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) و به استناد ماده ۲۷۰ آن قانون صادر گردیده است.

قابل توجه قضات سازمان قضائی نیروهای مسلح!

نظر قضات محترم سازمان قضائی نیروهای مسلح را به استعلام اداره کل قوانین و امور حقوقی ناجا در خصوص جبران ضرر و زیان وارده، از معاونت حقوقی و قضائی سازمان قضائی نیروهای مسلح جلب می‌نماید.

سؤال: اجرای احکام آن سازمان در بعضی از پرونده‌ها، محکوم علیه را که از پرسنل ناجا می‌باشد تا پرداخت خسارت وارده، هر چند که قادر به پرداخت خسارت نباشد بدون لحاظ قرار دادن مفاد ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی (مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰)، زندانی نموده و آزادی وی را مشروط به جبران خسارت وارده می‌نماید. این در حالی است که، به استناد ماده (۶۹۶) قانون مجازات اسلامی و ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی، وصول محکوم به و نهایتاً حسن محکوم علیه موقوف به درخواست خواهان یا محکوم له می‌باشد. لذا بنا عینایت به موارد مذکور، خواهشمند است محمل قانونی اجرای احکام آن سازمان برای زندان کردن محکومین ناجا به علت عدم جبران ضرر و زیان وارده بدون درخواست ناجا که در واقع محکوم له پرونده می‌باشد را اعلام فرمایید.

پاسخ: نظریه مشورتی جلسه قضائی در خصوص استعلام مذکور به شرح زیر می‌باشد: با توجه به ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی (مصوب سال ۷۷) و بند "ج" ماده (۱۸) آیین نامه اجرایی موضوع ماده (۶) قانون مزبور و همچنین ماده (۶۹۶) قانون مجازات اسلامی، مادامی که محکوم له تقاضای استیفای محکوم به را از دادگاه صادرکننده حکم ننموده باشد بازداشت محکوم علیه به لحاظ عدم پرداخت محکوم به، مجوز قانونی ندارد.